



۲۰۱۸/۰۳/۰۹

دوکتور محمد ظاهر عزیز

هشت مارچ، روز جهانی زن بزرگی و مقام زن

بخش دوم و سوم

بخش دوم: ستم و ناروایی در حق زن.

باوجود توصیه ها و احکام دینی در مفاد حقوق زن، با وجود امضاء در پای اعلامیه جهانی حقوق بشر که متضمن حقوق بشری و انسانی بدون در نظر داشت جنس (زن و مرد) است و با وجود طرح و قبول قوانین دولتی در اکثر کشورهای جهان، با تأسف ملاحظه می گردد که در بسیاری کشورها، خصوصاً در جوامع عقب مانده مانند کشور ما که سوبه فرهنگی و تعلیمی کم رشد دارند و آموختن را هنوز آیینة اصلی فرهنگ حساب نکرده اند، ستم و ظلم و ناروایی های غیر انسانی و غیر اخلاقی در حق زن روا می دارند. نمونه زیاد چنین ستم ها را در حق زن افغان، در کشور خود ملاحظه می نماییم. مردها خود را شایسته تصمیم گیری، حکومت داری، طرح ریزی امور اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و زن را مستحق سکوت و قبول حکم مرد می دانند. زن ها را در دیوار های خانه در قید تاریکی فرهنگی و بیسوادی نگه می دارند.

ستم بر نوع زن در تاریخ بشریت اولین ستمی بوده که جنس مذکر بر هموعان خود اعمال کرده است. چون زن از نظر قدرت و توان جسمی مخلوق با صفا و پر صلح و از لحاظ نیروی معنوی انسان پر برکت و رحم دل است، مردها از صفایی و رحمدلی زن و از قوت و نیروی بدنی خود بر علیه زن سوء استفاده نموده و این نوع سوء استفاده ها به شمول دست داشتن و صورت استعمال اسلحه علیه زن یا به منظور ستم جسمانی و یا آزار معنوی ادامه دارد. از شلاق زدن گرفته تا محصور کردن زنان در چهار دیوار خانه و منزل، از نگهداشتن زنان در تاریکی جهل و بی دانشی گرفته تا ابا ورزیدن حق کار زنان، این همه ستم بر حق زن، با استفاده از نیروی جسمی مردان صورت می گیرند.

جای بس تأثر و تأسف است که در جوامع پس مانده مانند کشور ما، اجرای ناروایی ها علیه زن و یا دوام ستم بر زن را توجیه خاص می دهند و چنین اعمال ستم علیه زن را هماهنگ با ارزش های دینی و یا فرهنگی می سازند و کوشش می کنند که به حسنات دروغین مردها که به دست خود آنان ساخته شده است و همچنان به قوانین خود ساخته ای که ستم بر زن را مشروع می سازد، روایات زاده از این قوانین را، برحق حساب می نمایند و آنرا مبدل به ارزش های فرهنگی جامعه می گردانند، در حالیکه این نوع طرز تفکر، سیاست، عمل و قانون گذاری نامشروع، نه اساس دینی، نه اعتبار معنوی نه حقانیت انسانی و نه صفات فرهنگی دارند.

بخش سوم : فرهنگ اسلامی و زن.

دین مبین اسلام برای زن مقام ارجمند به عنوان یک انسان قابل است. برحسب احکام آیات قرآن کریم ، مرد و زن در خلقت از یک ذات و جوهر اند. زن و مرد، برابر جدا نشدنی و متكامل همدیگر اند. حذف یکی از آنها انکار دیگری است چونکه خداوند(ج) همه انسان ها را از شخص واحد و نفس واحد پدید آورده. در آیه اول سوره نساء، خداوند(ج) می فرماید "ای مردمان بترسید از پروردگار تان که بیافرید شما را از نفس واحد و بیافرید از آن جفت آنرا و منتشر ساخت از آن دو، مردان بسیار و زنان" این آیه به ما می فهماند که انسان های سیاه و سفید، گندمی و زرد رنگ، مرد و زن، قد بلند و قد کوتاه، بنی بلند و بینی کوتاه، کم مو و یا کوسه، از یک ذات و جوهر اند و همه شان بندگان خداوند(ج) هستند که با ارتباط و اعتبار جنس، بلندی قامت و رنگ مو و پوست، کرامت بیشتر ندارند. کسانی که در جامعه های اسلامی به طور دیگری فکر و عمل می نمایند، از ارزش های اسلامی و احکام خداوندی، بی خبر اند و در تاریکی فرهنگی مبتلا اند.

در آیه نهم سوره نساء، خداوند(ج) بر مردان حکم می فرماید: "زندگانی کنید با زنان بوجه پسندیده".

اسلام آن محاسن دروغین را که مردان با ارتباط همنون خود برای خود ساخته اند و خود را از زنان برتر می دانند، باطل می شمارد و چنین طرز تفکر و عقیده را یعنی برتری مرد را با ارتباط جنس او، ناجایز دانسته رد می کند. اسلام ملاک و معیار برتری را بر کمال و فضیلت و تقوا می شمارد نه برحسب جنسیت، قوم، نسب، خاندان یا رنگ. در آیه سیزدهم سوره الحجرات که حکم الهی است مبنی بر برابری انسان ها، خداوند می فرماید "ای مردمان (هر آینه) ما آفریدیم شما را از یک مرد و یک زن و گردانیدیم شما را نژاد ها و قبیله ها تا باهم شناسا شوید. به تحقیق گرامی ترین شما نزد الله پرهیز گار ترین شماست."

دین مبین اسلام در باره انکشاف مجموع ارزش های فرهنگی مرد و زن از طریق پایه ریزی و تعمیم کامل تعلیم و تربیت برای هر دو جنس، آموختن، نوشتن و نقش تعلیم و تربیت به منظور انکشاف فکری، توسعه امور اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و معنوی یعنی آموختن برای زیستن آرام و پر شرافت، توصیه های جدی، برحق و لازم ارائه می نماید. آموختن علم و دانش را بر زن و مرد لازم حکم می کند و استفاده از علم و دانش را جهت رفاه جامعه در قید فکر تنها مرد و یا تنها زن قرار نمی دهد. کسب هر نوع تعلیم و دانش در اسلام بر زن و مرد جایز، برحق و فرض است.

کشورها و جوامع اسلامی که احکام و تعالیم قرآنی را خوب فهمیده اند و از ارزش های معنوی آن استفاده درست نموده اند، کوشش می نمایند با استفاده از روحیه و تعالیم اسلامی، در زیر عنوان فرهنگ اسلامی هدف ها، روش ها و انکشاف تعلیم و تربیت را در رأس مسایل اجتماعی قرار دهند و جهت انکشاف فرهنگ تمام مردم و طبقات جامعه خویش، از ارزش های ثابت آن استفاده عظیم می نمایند، چونکه اسلام به قابلیت فکری و فرهنگی بشر برای رسیدن به کمال، از راه تعمیم تعلیم و تربیه برای مرد و زن، دختر و پسر و بدون قید زمان و مکان و نوع دانش، حکم مجدانه دارد.

برحسب فرهنگ اسلامی و برای نخستین بار در تاریخ بشریت، نظریه آموزش مداوم، توصیه گردید و مسلمانان را دعوت کرد تا " از مهد تا لحد" یعنی " از گهواره تا گور" دانش بجویند. اسلام زنان و مردان را به آموختن امر کرد تا بتوانند به نوبه خود تعلیم و تربیه دیگران را به عهده بگیرند یعنی در انتقال انکشاف و پخش دانش و فرهنگ کوشش دایم، خسته ناپذیر و صاحب اعتبار بنمایند و بدین صورت، مرد و زن مشترکاً در پی یافتن و یا بازیابی راه های حیات آرام و پر شرافت با همه کیفیات انسانی یعنی توسعه فرهنگ اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و بر اساس مزایای " دین و دانش" و بدون قیود زمان و مکان دوشادوش همدیگر و بر حسب احترام و شرافت آدم و آدمیت، بکوشند.

